

حق منع استفاده بدون اذن از علامت تجارتي و مسؤليت مدني ناشي از آن

جواد ساساني^۱

تاريخ دريافت: ۱۳۹۹/۰۱/۱۳

تاريخ پذيرش: ۱۳۹۹/۰۳/۳۱

چکیده

در نظام حقوقی ایران، با به ثبت رسانیدن علامت تجاری، حق استعمال انحصاری مالک آن نشأت می‌گیرد. علامت ثبت شده نیز از زمان تسلیم اظهارنامه، مورد حمایت قانونی قرار می‌گیرد. بنابراین، از جمله حقوق ایجاد شده‌ی ناشی از ثبت علامت، برخورداری مالک از حمایت‌های قانونی مقرر برای آن است. محدوده‌ی حق مالک علامت تجاری در منع استفاده‌ی دیگران، مربوط به مواردی است که علامت جدید عین علامت و یا شبیه علامت قبلی باشد. البته باید توجه کرد که در این مورد علامت فوق باید به ثبت رسیده باشد. چنانچه ثبت نشده باشد، مالک یا مدعی باید در حین اعتراض، تقاضای ثبت نیز بنماید.

واژگان کلیدی: حق منع استفاده/علامت تجاری/مسؤولیت مدنی

مقدمه

در نظام حقوقی ایران، ثبت علامت تجاری، طریقه‌ای الهام گرفته شده از قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی است که آن را تحت حمایت و نظارت قانونی قرار می‌دهد. با ثبت علامت تجاری، حقوقی برای صاحب و مالک آن ایجاد می‌گردد که در قوانین و مقررات داخلی و بین‌المللی پیش‌بینی شده‌اند، نظیر حق استفاده‌ی انحصاری و حق منع استفاده‌ی بدون اذن دیگران از علامت تجاری (شبیه سازی و جعل)؛ نظر به حق منع استفاده‌ی بدون اذن دیگران از علامت تجاری نیز، موجب نمود ضمانت اجرای قانونی در این خصوص می‌گردد؛ قانونگذار برای ناقضان این حق، ضمانت اجرای حقوقی و کیفری مقرر داشته، که در این تحقیق به آن پرداخته خواهد شد. همچنین در راستای مطالعه‌ی ضمانت اجرای حقوقی، با توجه به ماده‌ی ۱ قانون مسؤلیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ که وارد کننده‌ی ضرر مادی و معنوی به حق دیگری را مسئول جبران خسارت

*دانش آموخته حقوق خصوصی، مدرس دانشگاه، گروه الهیات و علوم اسلامی، دانشگاه پیام نور، مرکز اردبیل



می‌داند، مسئولیت مدنی ناشی از نقض علامت تجاری، با لحاظ ماده‌ی مرقوم و مواد قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی، علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ و آیین نامه‌ی مربوطه، مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد.

۱- منع استفاده دیگران از عین علامت تجاری

در این مورد، نقض علامت تجاری ممکن است به نحوی از موارد زیر اتفاق بیافتد:

۱-۱- استفاده از علامت دیگری

اشاره شد که شهرت علامت تجاری چقدر در جذب مشتری و مصرف کنندگان کالا یا تولیدات موثر است. گاهی، شخصی از شهرت و مقبولیت کالاهای تحت پوشش علامت شخص دیگری، برای فروش کالا یا خدمات فاقد این مقبولیت بدون مجوز قانونی استفاده می‌نماید. استفاده کننده از علامت دیگری، مدعی نیست که علامت متعلق به خود او می‌باشد؛ بلکه با قبول این نکته که علامت مثلاً متعلق به یک شرکت یا موسسه‌ی مشهور می‌باشد، کالاهای خود را تحت علامت آن شرکت یا موسسه به بازار عرضه می‌کند. لذا تفاوت این مورد با استفاده از علامت مجعول این است که، در استفاده نمودن از علامت تجاری مجعول استفاده کننده مدعی مالکیت آن علامت نیز می‌باشد.

۱-۲- جعل علامت تجاری

تعریفی که در متون قانونی جزایی از جعل ارائه می‌گردد شامل جعل به معنی عام می‌باشد. در حالیکه مفهوم جعل علامت تجاری عبارت از نسخه‌برداری و نمونه برداری از عناصر مشخص کننده‌ی یک علامت تحت حمایت می‌باشد. اعم از اینکه این عمل کاملاً مشابه یا تقریباً مشابه علامت اصلی باشد، بنابراین نمونه‌برداری کاملاً مشابه از علامت تجاری دیگری به عنوان یکی از مصادیق تجاوز به حریم انحصاری صاحب علامت تجاری شناخته می‌شود. با توجه به اینکه موضوع درخواست ممانعت از عمل جعل علامت تجاری با درخواست مجازات جاعل متفاوت می‌باشد. لذا از مبحث پیرامون عنصر علم به عمل جعل و رکن معنوی لازم در وقوع جرم خودداری می‌گردد. (کریمی، ۱۳۸۹: ۱۷۲)

۱-۳- استفاده از علامت تجاری مجعول

به غیر از جعل، استفاده نمودن از علامت مجعول نیز عمل برخلاف قانون و غیر مجاز می‌باشد. اعم از اینکه این عمل با مباشرت باشد یا اینکه سبب استفاده از علامت مجعول توسط دیگری را فراهم سازد. لیکن باید توجه نمود که فعل استفاده از علامت مجعول با جعل علامت به عنوان عملی واحد تلقی نمی‌گردد. چرا که عمل جعل در مرحله‌ی اول انجام می‌پذیرد و استعمال و استفاده از آن بعد از عمل جعل در گام بعدی اتفاق می‌افتد. ممکن است در مرحله‌ی جعل، اصلاً استفاده‌ی عملی از علامت تحقق نیابد. یعنی امکان دارد



جعل کننده‌ی علامت و استفاده کننده از آن فرد واحدی نباشد. پس استفاده از علامت مجعول ممکن است توسط جاعل یا غیر جاعل به صورت مباشرت یا به تسبیب محقق گردد.

۱-۴- عرضه و فروش کالا یا خدمات با علامت مجعول

از دیگر مصادیق منع استفاده دیگران از علامت تجاری می‌تواند شامل مواردی شود که کالایی با علامت مجعول نگهداری و یا عرضه گردیده و یا به فروش برسد. در این حالات نیز مالک می‌تواند از اقدامات فوق ممانعت نموده و متخلف را به محترم شمردن حق انحصاری مالکانه خود ملزم نماید. از همین مقوله، واردات و صادرات محصولات با علامت جعلی می‌باشد که مالک انحصاری علامت تجاری می‌تواند از ورود و خروج و یا ترانزیت آن ممانعت نماید. (همان: ۱۷۲)

۱-۵- طرح یک دعوی

در خصوص منع استفاده از عین علامت تجاری دیگری، دعاوی متعددی مطرح شده و منجر به صدور رای گردیده است. به عنوان مثال، در دعوی مطروحه از سوی شرکت بسکین رویترز اینترنشنال علیه شرکت ارباب مهرگروه (با مسئولیت محدود) عنوان گردیده، خواننده دعوا، نسبت به درخواست ثبت عین علامت متعلق به خواهان در اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی اقدام نموده است. شعبه سوم دادگاه عمومی حقوقی تهران با این استدلال که، به لحاظ عدم ارائه سبق استفاده‌ی مستمر از علامت مورد نظر و عدم مشهور بودن علامت مورد دعوی، دعوی مطروحه را غیر وارد تشخیص و طی دادنامه شماره‌ی ۴۷۲ مورخ ۱۳۸۵/۶/۲۱ حکم بر بطلان دعوا صادره نموده است. که از سوی خواهان دعوی بدوی، نسبت به دادنامه اعتراض و درخواست تجدیدنظرخواهی شده است. دادخواست تجدیدنظرخواهی طی کلاسه پرونده ۱۸۵۰/۱۲/۸۵ شعبه ۱۲ دادگاه تجدید نظر استان تهران تحت رسیدگی واقع و شعبه‌ی مذکور طی دادنامه‌ی شماره ۱۸۸۵ مورخ ۱۳۸۵/۱۲/۲۰، حکم دادگاه بدوی را نقض و حکم بر ابطال اظهارنامه‌های ثبت علامت تجدیدنظرخوانده و الزام اداره ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی به ثبت علامت مورد دعوی به نام تجدیدنظرخواه صادر می‌نماید. شعبه اخیر در استدلال صدور رای خود مقرر می‌دارد:

«با ملاحظه مجموع اوراق و محتویات پرونده و مطالعه لوایح ابرازی طرفین به نظر این دادگاه تجدیدنظرخواهی وارد است چه، اولاً مطابق ذیل ماده ۱۶ قانون ثبت علائم تجاری و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ به معترض (اگر چه موسسه او در خارج از ایران واقع باشد) اجازه داده شده است در صورتی که علامت مورد اعتراض قبلاً به اسم او در ایران ثبت نشده همزمان با اعتراض، اظهارنامه ثبت علامت به نام خود را با تأدیه تمامی مخارج مربوط به اداره مالکیت صنعتی تقدیم نماید و بدین ترتیب عدم امکان استفاده از مزایای قانون مزبور برای خارجیان در صورت عدم ثبت علائم خود در ایران (ناشی از ماده ۴ همان قانون) که مورد استناد دادگاه محترم بدوی قرار گرفته مطلق نبوده بلکه در صورت تقاضای ثبت حین‌الاعتراض به



شرط معامله متقابلانه مملکت متبوع شخص خارجی با اتباع ایرانی در موارد مشابه، ممنوعیت موضوع ماده‌ی ۴ قانون منتفی می‌گردد و با توجه به اینکه شرط مربوط به معامله متقابلانه در فرض وجود کنوانسیون‌های بین‌المللی چند جانبه که به واسطه‌ی عضویت هر دولت در آن قوانین داخلی دولت‌های عضو را یکسان و متحد می‌نماید تاثیر خود را از دست داده و بلا عوض می‌گردد و حسب مدارک و اسناد منتشره از سوی سازمان جهانی مالکیت معنوی (wipo) خصوصاً سایت رسمی آن هر دو دولت جمهوری اسلامی ایران و ایالت متحده آمریکا عضو معاهده پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی تجاری و کشاورزی مورخ ۲۰ مارس ۱۸۸۳ در هر دو اصلاحیه لیسبون و استکهلم آن می‌باشد و مقررات معاهده مزبور در هر دو کشور لازم الاجرا و اتباع است و با امعان نظر در baskin31 robbins و robbins brbaskin را در کشورهای مختلف به ثبت رسانیده که نشان از سبق استفاده مستمر وی از علامت موصوف دارد خصوصاً اینکه بدلالات تصویر مصدق مدارک تقدیمی از سوی تجدیدنظرخواه، علامت موضوع دعوی در تاریخ ۱۴ ژوئن ۲۰۰۵ میلادی مصادف با ۸۴/۳/۲۵ در اداره مالکیت صنعتی کشور ترکمنستان به ثبت رسیده که بدین ترتیب با در نظر گرفتن تاریخ تقدیم اظهارنامه ثبت علامت توسط تجدیدنظرخوانده در ایران یعنی مورخ ۱۳۸۴/۴/۸، تجدیدنظرخواه کماکان از حق تقدم موضوع قسمت ج ماده ۴ معاهده مورد اشاره به دلیل عدم انقضای مهلت شش ماهه برخوردار است و با این تفاسیر اجازه ثبت همان علامت به نام تجدیدنظرخوانده و استفاده از آن نوعی رقابت تجاری نامشروع و خلاف تعهدات مقید در کنوانسیون پاریس مورد بحث خصوصاً ماده ی ۱۰ مکرر آن بوده و مضافاً موجب اشتباه مصرف‌کنندگان عادی نسبت به منشاء کالای تولیدی در کشورهای عضو اتحادیه خواهد بود بنابراین مستنداً به ماده ۳۵۸ قانون آیین دادرسی مدنی، دادنامه معترض‌عنه را نقض نموده آنگاه به تجویز مواد ۴، ۲۰ و ۱۶ قانون ثبت علائم تجاری و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ و همچنین مواد ۲، ۱۰ و ۴ مکرر معاهده پاریس حکم بر ابطال اظهارنامه‌های ثبت علائم شماره ۸۴۰۶۰۷۲۵ و ۸۴۰۶۰۷۲۶ متعلق به تجدید نظر خواه صادر و اعلام می‌گردد، این رأی قطعی است.»

۲- منع استفاده ی دیگران از شبیه و تقلید علامت تجاری

در بندهای «د»، «ز» ماده ی ۳۲ ق.ث.ا.ط.ع، اشاره شده که شبیه‌سازی و تقلید از علامت تجاری ثبت شده در حیطه‌ی حق منع استفاده‌ی دیگران از علامت قرار می‌گیرد. در این حالت نسخه برداری و نمونه برداری به طور کامل واقع نمی‌گردد و ما بین علامت اصلی و علامت جعلی تفاوت بسیار ظریف و اندکی وجود دارد در خصوص معیار و ضابطه ی تشابه بین دو علامت، ماده ی ۱۲۱ آ.ق.ث.ا.ط.ع، قضاوت مصرف کننده ی عادی را ملاک عمل می‌داند. ماده‌ی مرقوم، مقرر می‌دارد: «...در مواردی علامت عین یا شبیه علامت دیگر تشخیص داده شده و رد می‌گردد که علامت مذکور قبلاً به اسم دیگری ثبت یا تقاضای ثبت شده باشد یا شباهت آن از لحاظ شکل ظاهر یا تلفظ یا کتابت و یا سایر ویژگی‌ها با علامت دیگری که قبلاً ثبت یا تقاضای ثبت شده به اندازه‌ای باشد که مصرف‌کنندگان عادی را به اشتباه بیندازد.....»



توضیح اینکه تشابه اگر به قدری باشد که مصرف کننده ی عادی با ضریب هوشی متوسط دچار اشتباه شود می تواند نمایانگر تقلید از علامت باشد؛ یعنی می توان با این معیار اثبات نمود که علامت تقلیدی است. البته در اثبات تقلید، اشتباه واقعی مد نظر نیست، به طوری که لازم نیست تحقیق شود که آیا مصرف کنندگان در عمل دچار اشتباه می شوند یا نه؟ بلکه احتمال اشتباه مصرف کننده ی عادی کفایت می کند و قاضی بر اساس آن اقدام به صدور رأی می نماید. ذیلاً به شباهت هایی که موجبات درخواست ابطال علامت را فراهم می سازند اشاره می گردد:

۱-۲- شباهت شکل ظاهری

یکی از مواردی که امکان اشتباه و گمراهی مصرف کننده ی عادی را فراهم می سازد شکل ظاهری علامت تجاری می باشد؛ البته هر تشابهی مد نظر نیست، چرا که تشابه کم و بیش در علامت های مختلف ممکن است وجود داشته باشد. آن شباهتی که گمراه کننده باشد مورد اشکال و ایراد قرار می گیرد. شباهت شکل ظاهری دو علامت هنگامی گمراه کننده است که مصرف کننده ی عادی با ضریب هوشی متوسط را به اشتباه بیاندازد. هرگاه مجموع علامتی با مجموع علامتی دیگر اشتباه شود و توجه به یک علامت، علامت دیگری را در ذهن تداعی کند عنوان شباهت در شکل ظاهر مشهود می شود. معمولاً در این گونه علائم مردم با دیدن عبارت یا کلمه مورد نظر فوراً شباهت یا نسبتی را با علامت اصلی احساس می کنند که این به معنی سوء استفاده از شهرت علامت اصلی تلقی می شود. (شمس، ۱۳۸۳: ۱۹۷) برای مثال نام تجاری یک علامت با سابقه و شهرت جهانی عبارت «گاوی که می خندد» است مالک این علامت با استفاده از آن مواد لبنی می فروشد. در سال ۱۹۵۹ علامت جدیدی به بازار می آید به نام «گاو جدی» که بدون تلاش زیاد تمامی پلکان شهرت را طی می نماید، و از موضع برابر با یک علامت شناخته شده به رقابت می پردازد. (همان: ص ۱۹۷)

۲-۲- شباهت در طرز نوشتار و تلفظ

گاهی اتفاق می افتد که حروف متشکله دو علامت کاملاً متفاوتند ولی فونت و طرز نگارش که موجود می باشد، شباهت بسیاری با هم دارد. یا ممکن است دو کلمه از نظر نگارش شباهتی با یکدیگر نداشته باشند ولی از نظر تلفظ شبیه باشند. این مورد هم اهمیت به سزایی دارد؛ چرا که اغلب تبلیغات و معرفی کالاها با لفظ صورت می پذیرد. معیار در اینجا نیز معیار نوعی ماده ی ۱۲۱ آ.ق.ث.ا.ط.ع، است به طوری که احتمال گمراهی مصرف کننده ی عادی مد نظر در تشخیص قاضی می باشد. ولی در عمل در مقام پاسخ به این سوال که، آیا این معیار توسط قضات دادگاه رعایت می شود یا نه؟ باید گفت که بررسی رویه ی قضایی در این خصوص نشان می دهد، قضات بیشتر معیار شخصی تشخیص را در رسیدگی اعمال می کنند. به عنوان مثال به موجب یک حکم تمیزی بین لفظ «آواز» و «آوا» (هر دو به معنای صوت، بانک، نغمه و سرود می باشد)



شبهات وجود ندارد. در حالیکه در مورد شیر ایستاده و شیر نشسته، شعبه سوم دیوان کشور تشابه را محرز دانسته است. (کریمی، ۱۳۸۹: ۱۷۷)

۳- ضمانت اجرا های نقض علامت تجاری

ضمانت اجرا، عکس‌العمل قانونی نسبت به تخلف از یک دستور قضایی است. (صادقی و شیخی، ۱۳۸۸: ۲۱۹) و با توجه به هدف آن و نوع اجرا، به انواع مختلف قابل تقسیم می‌باشد: الف- ضمانت اجرای کیفری، که مبتنی بر سیستم جزادهی و کیفر نسبت به کسانی است که علاوه بر تجاوز به حق شخصی خاص، به حریم عمومی جامعه لطمه وارد سازد. (شیخی، ۱۳۸۴: ۹۲) ب- ضمانت اجرای اداری که مبتنی بر اعمال تدابیر مدنی و کیفری از سوی مقام اداری است. (شیخی، ۱۳۸۴: ۱۰۲) ج- ضمانت اجرای گمرکی، در مورد اقدامات مقامات گمرک و مقامات قضایی در صورت وقوع نقض در حد وسیع و در جایی که مقوله‌ی مرز مطرح است. (شیخی، ۱۳۸۵: ۲) د- ضمانت اجرای مدنی که عکس‌العملی است در مورد تخلف از قوانین مدنی، (جعفری لنگر.دی، ۱۳۸۷) و بردونوع می‌باشد: ۱- اجبار به انجام تعهد، یعنی شخصی که تکلیف خود را انجام نمی‌دهد به وسیله‌ی قوای عمومی اجبار به انجام آن می‌گردد مانند: اجبار به اجرای حکم دادگاه در صورت عدم اجرای آن به وسیله‌ی محکوم‌علیه ۲- عودت دادن وضعیت اولیه، در صورتی که کسی عملی انجام دهد که موجب تجاوز به حق دیگری شود قانون سعی می‌کند تزلزلی را که در وضعیت حقوقی ایجاد شده، تا آنجایی که ممکن است به حالت اولیه خود عودت دهد. (امامی، ۱۳۷۷، ج ۴: ۱۱۷) در این میان اقدامات حقوقی و احتیاطی نیز مهم هستند چرا که سرآغاز و لازمه‌ی اعمال اکثر ضمانت‌های مقرر، به ویژه ضمانت اجرای مدنی در تمامی مراحل قبل، در حین و یا بعد از ارتکاب نقض هستند. در این مباحث به تناسب موضوع، در مورد ضمانت اجرای کیفری، و ضمانت اجرای حقوقی مطالبی ارائه می‌گردد. اما، قبل از بررسی ضمانت‌های اجراهای فوق در خصوص نقض علامت تجاری، واجب و ضروری است تا بعضی از مفاهیم مرتبط و موثر در پیشبرد اهداف بحث، بررسی و مطالعه گردد:

۳-۱- ذی نفع و مالک علامت تجاری

مطابق ماده ۶۰ ق.ث.ا.ط.ع، «نقض حقوق مندرج در این قانون، عبارت است از معنای انجام هر گونه فعالیت در ایران که توسط اشخاص غیر از مالک حقوق تحت حمایت این قانون و بدون موافقت او انجام می‌شود.....» براساس مفهوم ماده‌ی مرقوم ذی‌نفع اصلی در اقامه دعوی خصوصی یا عمومی نقض حقوق مالکیت صنعتی، دارنده‌ی حقی است که به ترتیب مقرر در آن قانون شناسایی، مالکیت او بر حق صنعتی ثبت و گواهینامه‌ی حمایت از سوی اداره مالکیت صنعتی به او داده شده است. چنین شخصی ذینفع نخستین در طرح دعوا و شکایت است. گواهینامه‌ی ثبت دلیل این ذینفعی به شمار می‌رود و در این رابطه دلیل دیگر از او خواسته نمی‌شود. این اماره قانونی مالکیت تا زمانیکه ثابت یا مدلل نشده است معتبر و دارای آثار پیش بینی



شده‌ی قانونی است (صالحی ذهابی، ۱۳۸۸: ۳۳۲) حال اگر ذینفع شخص حقوقی باشد با توجه به ماده ۵۸۸ ق. ت می‌تواند از حقوق ناشی از ثبت برخوردار شده و تکالیف قانونی را انجام دهد البته به طریق نماینده‌ی قانونی خود.

۳-۲- قائم مقامان

گاهی اتفاق می‌افتد که به جای مالک علامت تجاری، شخص دیگری ذینفع در آغاز و تعقیب دعواست، هرگاه دارنده حق مالکیت بر علامت تجاری، حقوق مادی ناشی از مالکیت صنعتی خود را به شخص دیگر، خواه حقیقی یا حقوقی انتقال دهد و این تغییر در مالکیت برابر ماده‌ی ۴۸ ق. ت. ا. ط. ع، در اداره مالکیت صنعتی به ثبت رسیده و آگهی شده باشد انتقال گیرنده‌ی حق در صورت تعرض به حقوق او ذینفع در طرح و تعقیب دعوا قلمداد می‌شود.

«عموم و اطلاق ماده‌ی ۴۸ هرگونه تغییر در مالکیت را در بر می‌گیرد، بنابراین نه تنها در نقل و انتقالات اختیاری و آنچه که در زمان حیات دارنده موجب تغییر مالکیت حق می‌شود. هرگاه دارنده حق مالکیت صنعتی فوت شود، وراثت قانونی یا موصی‌له به منظور بهره‌مندی از حقوق مادی مالکیت صنعتی، مکلف به تسلیم در خواست کتبی به اداره مالکیت برای ثبت آگهی و در صورت لزوم کسب موافقت مراجع صلاحیت دار هستند.»^۱

انتقال گیرنده و وراثت باید مطابق قانون و به گونه‌ی مقرر شده اقدام نمایند، اگر به این نحو عمل نکنند، نخواهند توانست در برابر اشخاص ثالث به حقوق مالکیت خود استناد نمایند زیرا برابر بخشی از ماده ۴۸ ق. ت. ا. ط. ع، که مقرر می‌دارد:

«...تاثیر این گونه تغییرات (در مالکیت) نسبت به اشخاص ثالث منوط به تسلیم در خواست مذکور است...»

حال اگر منتقل‌الیه شخص حقوقی باشد این شخص به موجب ماده ۵۸۸ ق. ت می‌تواند از حقوق ناشی از ثبت و تغییر در مالکیت حق صنعتی برخوردار شده و تکالیف قانونی را انجام دهد. در این گونه موارد که مدیر یا نماینده شخص حقوقی تمامی اقدامات را انجام داده و وظایف را بر دوش می‌کشد، در نهایت تمامی حقوق و وظایف متوجه شخص حقوقی است. بنابراین ذینفع واقعی در طرح و تعقیب دعوی نقض، شخص حقوقی مالک یا انتقال گیرنده‌ی حق مالکیت صنعتی است. (صالحی ذهابی، ۱۳۸۸: ۳۳۳)

^۱ - مواد ۹ و ۲ قانون حمایت از حقوق پدید آورنده گان نرم افزارهای رایانه ای



۳-۳- اثبات ذی نفعی

در کلیه مواردی که شخص ذی نفع اقامه‌ی دعوی می‌نماید، باید دلیل ذی‌نفعی خود را به پیوست دادخواست و شکایت ارائه و تسلیم مرجع صلاحیتدار بنماید. لذا اگر مالک اصلی اقامه‌ی دعوی کند باید گواهی ثبت علامت تجاری را ابراز کند، اگر ورثه‌ی او طرح دعوی کند، باید علاوه بر گواهی فوق، دلایل اثبات وراثت و قائم مقامی خود از قبیل گواهی حصر وراثت را تقدیم مرجع صلاحیتدار قضایی نماید. موصی‌له و انتقال گیرنده و نیز نماینده‌ی شخص حقوقی و دیگر اشخاص اقامه‌کننده‌ی دعوی بایستی بر حسب مورد، دلیل وصایت، انتقال، مدیریت، وکالت و مانند آن را به پیوست مستندات تقدیم دادگاه نماید. ماده‌ی ۵۹ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «اگر دادخواست توسط ولی، قیم، وکیل و نماینده‌ی قانونی خواهان تقدیم شود، رونوشت سندی که مثبت سمت دادخواست دهنده است به پیوست دادخواست تسلیم دادگاه می‌گردد.» مطابق ماده‌ی ۵۲ قانون اخیر: «در صورتی که هر یک از اصحاب دعوا عنوان قیم یا متولی یا وصی یا مدیریت شرکت و امثال آن را داشته باشد در دادخواست باید تصریح شود.» امکان دارد ذی‌نفع یا مالک در ایران اقامت نداشته و حتی تبعه‌ی ایران نباشد و مرکز مهم امور تجاری او در خارج متمرکز باشد در این صورت مطابق ماده‌ی ۵۱ که مقرر می‌دارد: «...وکیل قانونی او که مقیم و شاغل در ایران است، می‌تواند به نمایندگی از او اقدامات لازم را انجام دهد...»

۳-۴- ناقض حق مالکیت بر علامت

منظور از ناقض، شخصی است که بتوان او را من باب ارتکاب افعال مجرمانه و زیانبار نسبت به حق مالکیت علامت تجاری مورد دادخواهی قرار داد. گاهی ممکن است دارنده‌ی نخستین و اصلی علامت تجاری که به موجب قرارداد معتبر، حق خود را واگذار کرده است بر خلاف قانون یا قرارداد یا شرایط ضمن عقد و عرف مبادرت به اقداماتی نماید که در این صورت خود وی نیز قابل تعقیب از جانب ذی‌نفع می‌باشد. فراز دوم ماده‌ی ۶۰ ق.ث.ا.ط.ع، مقرر می‌دارد: «علاوه بر مالک حقوق تحت حمایت این قانون، هرگاه ثابت شود دارنده اجازه‌ی استفاده از مالک درخواست کرده است تا برای خواسته معینی به دادگاه دادخواست بدهد و مالک امتناع کرده یا نتوانسته آن را انجام دهد دادگاه می‌تواند علاوه بر صدور دستور جلوگیری از نقض حقوق یا نقض قریب الوقوع حقوق، به جبران خسارت مربوط نیز حکم صادر کند و یا تصمیم دیگری جهت احقاق حق اتخاذ نماید.»

فرضی قابل تصور است که ناقض حق مالکیت بر علامت شخص واحدی نیست؛ بلکه اشخاص مختلفی یا گروهی از اشخاص بصورت مشارکتی یا به نحو تسبیب مبادرت به انجام عمل نقض کردند در این موارد، دارنده‌ی حق می‌تواند نسبت به یکی از آنها و یا آن که نسبت به تمام آنها اقامه‌ی دعوا کند که دادگاه در نهایت با توجه به نحوه‌ی مداخله‌ی هر یک در تحقق نقض، تصمیم‌گیری و رای صادر خواهد نمود. (کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۲۳)



۳-۵- مرجع صلاحیت دار قضایی

بر طبق ماده‌ی ۵۹ ق.ث.ا.ط.ع، «رسیدگی به اختلافات ناشی از اجرای این قانون و آئین نامه‌ی اجرائی آن در صلاحیت شعبه یا شعب خاصی از دادگاه‌های عمومی تهران می‌باشد که حداکثر تا شش ماه بعد از تاریخ تصویب این قانون توسط رئیس قوه‌ی قضائیه تعیین می‌گردد. تصمیمات اداره مالکیت صنعتی توسط اشخاص ذینفع قابل اعتراض است و دادخواست مربوط باید ظرف دو ماه از تاریخ ابلاغ تصمیم به ذینفع و یا اطلاع او از آن، به دادگاه صالح تقدیم گردد. تجدیدنظرخواهی از آراء و نحوه رسیدگی، تابع مقررات آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی است.»

ماده‌ی ۱۷۹ آ.ق.ث.ا.ط.ع، نیز مقرر می‌دارد: «با توجه به ماده‌ی ۵۹ قانون، رسیدگی به دعاوی حقوقی و کیفری مرتبط با قانون و این آیین‌نامه در صلاحیت شعبه یا شعب خاصی از دادگاه‌های عمومی تهران است که توسط رئیس قوه‌ی قضائیه تعیین و در صورت امکان در اداره‌ی کل مالکیت صنعتی مستقر می‌شوند. در مورد دعاوی کیفری، چنانچه جرم از خارج از تهران واقع یا کشف و یا متهم در خارج از تهران دستگیر شده باشد، در این صورت تحقیقات مقدماتی در محل وقوع یا کشف جرم یا دستگیری متهم به عمل آمده و پرونده برای رسیدگی به دادگاه‌های مذکور در فوق ارجاع می‌شود.»

۳-۶- اقدامات تامینی و احتیاطی

این نوع دادرسی‌ها، ویژگی متمایز کننده‌ای نسبت به دادرسی‌های عادی و اختصاری دارند از آن جمله است، تعیین تکلیف قضایی اموری که دارای فوریت می‌باشند. دادرسی مزبور دارای قواعد ویژه‌ای می‌باشد که متفاوت از اصول و قواعد دیگر دادرسی است. در اینجا، از مهمترین موضوعاتی که در این گونه دادرسی‌ها مطرح هستند بحث و بررسی می‌شود نظیر، درخواست تامین دلیل، صورت برداری، دستور موقت و تامین خواسته.

۳-۶-۱- تامین دلیل

دارنده‌ی حق مالکیت بر علامت تجاری می‌تواند به منظور حفظ ادله و امارات مربوط به نقض حق موضوع ماده‌ی ۶۰ ق.ث.ا.ط.ع، به دادگاه صلاحیت‌دار مراجعه و درخواست اجرای تشریفات مربوط و صدور قرار تامین دلیل را تقدیم نماید. ماده‌ی ۱۴۹ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «در مواردی که اشخاص ذی نفع احتمال دهند که در آینده استفاده از دلایل و مدارک دعاوی آنان از قبیل تحقیق محلی و کسب اطلاع از مطلعین و استعمال نظر کارشناسان یا دفاتر تجاری یا استفاده از قرائن و امارات موجود در محل و یا دلایلی که نزد طرف دعوی یا دیگری است، متعذر یا متعسر خواهد شد، می‌توانند از دادگاه درخواست تامین آنها را بنمایند.» در این راستا، در ماده‌ی ۶۴ آیین‌نامه‌ی اصلاحی (منسوخ شده) مقرر شده بود: «در دعاوی که راجع به حقوق حاصله از ثبت علامت تجاری و یا حق ثبت و اختراع اقامه می‌شود، معترض در دعاوی حقوق و



شاکی خصوصی در دعاوی جزایی می‌توانند در هر موقع از مراجع قضایی که موضوع در آنجا مطرح است، [تقاضای] صدور قرار تامین دلیل را بنمایند و مراجع مزبور موظفند نسبت به تقاضای نامبرده موافقت نمایند. در سیستم حمایتی کنونی از مالکیت‌های صنعتی، برابر ماده‌ی ۱۸۳ آیین نامه‌ی اجرایی: «در دعاوی حقوقی و کیفری راجع به حقوق حاصله از ثبت اختراع، طرح صنعتی، علامت و نام تجاری، معترض می‌تواند در هر مرحله از مراحل رسیدگی، از مراجع قضایی، اعم از دادگاه یا دادسرا که پرونده در آنجا مطرح است درخواست صدور قرار تامین دلیل و دستور توقیف محصولات ناقص حقوق ادعایی و تقاضای صدور دستور موقت نسبت به عدم ساخت، فروش یا ورود این محصولات را بنماید. مراجع قضایی موظفند نسبت به قبول تقاضای مذکور موافقت نمایند و می‌توانند قبل از صدور قرارهای مزبور از متقاضی تضمین کافی بخواهند. اجرای دستور فوق در صورتی که محصولات در گمرک باشند توسط مامورین گمرک والا توسط ضابطین خواهد بود.

تبصره ۱- دادسرا می‌تواند رأساً دستور توقیف کالاهای دارای علامت تقلبی، اعم از اینکه وارد چرخه تجاری شده یا نشده باشند، را صادر نماید.

تبصره ۲- صدور دستور موقت و قرار تامین وفق مقررات آیین دادرسی خواهد بود. «

با این اقدام ذی نفع، دیگر خواننده نمی‌تواند ادله را از بین ببرد یا دسترسی به آنها را غیر ممکن سازد. در مورد صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده در دادرسی فوری، قضیه از شمول قاعده‌ی خاص ماده ۵۹ ق.ث.ا.ط.ع، در تعیین دادگاه صلاحیتدار خارج می‌باشد. و تابع قواعد عام مربوط به صلاحیت دادگاه‌هاست. (صالحی ذهابی، ۱۳۸۸: ۳۵۱) یعنی رسیدگی به درخواست تامین دلیل از دادگاهی به عمل می‌آید که دلایل و مدارک، اشیا و محصولات تقلبی، آلات و ادوات تقلیدی در حوزه‌ی قضایی آن قرار دارد به نحوی که، ماده‌ی ۱۴ قانون آیین دادرسی مدنی مؤید آن است.

۳-۶-۲- صورت برداری

ذی نفع می‌تواند از دادگاه درخواست تهیه‌ی صورت تفصیلی از کالاها و محصولات تقلبی و تقلیدی را بنماید. در صورت برداری می‌بایستی، تعداد، نوع، شکل، ماهیت، اندازه، وزن، رنگ، و بطور کلی برحسب مورد نقض، مشخصات و خصوصیات که معرف کامل محصول یا کالای تقلبی است نوشته شود.^۱ در صورت برداری، هدف حفظ محصولات، آلات و ادوات و فرآیندهای تقلیدی و تقلبی نیست بلکه فقط ملاحظه و صورت برداری از این گونه دلایل هدف اصلی می‌باشد. امکان دارد بعد از صورت برداری به دستور مقام صلاحیتدار قضایی آن اشیا و ادوات معدوم، رد یا ضبط شود. (صالحی ذهابی، ۱۳۸۸: ۳۵۳) در قسمت اول ماده‌ی ۶۳ آیین نامه اصلاحی (منسوخ شده) مقرر شده بود: «مالک علامت تجاری و همچنین صاحب هر ورقه اختراع و یا قائم مقام قانونی آنان می‌توانند به موجب امر نزدیک‌ترین دادگاه بخش محلی که محصولات

^۱ - ماده‌ی ۶۷ اجرای احکام



مورد ادعا در آن محل است، صورت مشروحي از محصولاتى که به ادعای آنها با حق حاصل از علامت تجاری و یا اختراع آنها مخالف است بردارند اجرای امر فوق در صورتى که محصولات هنوز در گمرک باشد به وسیله‌ی مأمورین گمرک و الا به وسیله‌ی مأمور اجرا به عمل خواهد آمد...» در ماده‌ی ۱۸۲ آ.ق.ث.ا.ط.ع، مقرر شده است: « مالک هر اختراع، طرح صنعتی، علامت و نام تجاری یا قائم مقام قانونی وی برحسب مورد می‌تواند به موجب امر نزدیک‌ترین دادگاه عمومی محلی که کالاهای مورد ادعا در آن محل است صورت مشروحي از کالاهایی که به ادعای او با حق حاصل از اختراع یا طرح صنعتی و یا علامت تجاری او مخالف است بردارد. اجرای امر فوق در صورتی که کالاها هنوز در گمرک باشند، به وسیله‌ی مأمورین گمرک و الا به وسیله‌ی مأمور اجرا به عمل خواهد آمد.»

توقیف کالاهای مزبور وقتی ممکن است که امر دادگاه تصریح به آن داشته باشد. امر دادگاه در هریک از دو صورت فوق بنابه دادخواست مالک اختراع، طرح صنعتی، علامت و نام تجاری یا قائم مقام قانونی وی صادر می‌گردد. به دادخواست مزبور باید رونوشت مصدق گواهی‌نامه اختراع، طرح صنعتی و علامت، حسب مورد، ضمیمه گردد. اگر مالک اختراع، طرح صنعتی، علامت و نام تجاری تقاضای توقیف کالاهای مذکور فوق را نماید باید تضمین کافی بدهد که عندالافتضاء از محل مزبور کلیه خسارات وارده به طرف جبران گردد.

با توجه به اینکه در انجام امر صورت‌برداری، کاردانی و خبرویت ضروری به نظر می‌رسد به طور معمول دادگاه‌ها انجام آن را به یکی از کارمندان غیر قضایی محول و به تناسب مورد یکی از کارشناسان آن رشته را به همراه او به محل مأمور می‌نماید. (صالحی ذهابی، ۱۳۸۸: ۳۵۴) همانطور که ماده‌ی ۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری مقرر می‌دارد: « از اهل خبره هنگامی دعوت به عمل می‌آید که اظهار نظر آنان از جهت عملی یا فنی و یا معلومات مخصوص لازم باشد...» مهلت اقامه‌ی دعوای اصلی در این خصوص، سی روز از تاریخ صدور امر صورت‌برداری می‌باشد و ضمانت اجرای این مهلت، بطلان و بدون اثر شدن صورت‌برداری است. ماده ۱۸۴ آ.ق.ث.ا.ط.ع، مقرر می‌دارد: « اگر مدعی تا ۳۰ روز از تاریخ امر مذکور در ماده‌ی ۱۸۲ این آیین‌نامه از مجرای حقوقی یا از طریق کیفری در دادگاه صالح مقرر در ماده ۵۹ قانون طرح دعوی ننماید، توقیفی که به عمل آمده است باطل و کان لم یکن بوده و وی طبق ماده مذکور مسئول خسارات وارده به طرف خواهد بود.

۳-۶-۳- دستور موقت

صاحب حق مالکیت بر علامت تجاری به منظور اتخاذ اقدامات عاجل و پیشگیری از زیان بیشتر و جبران ناپذیر به دادگاه صلاحیتدار مراجعه نموده تا دستور موقت در مورد خواسته‌ی او صادر شود. دستور موقت اقدامی است که به تبع اصل دعوا درخواست می‌شود. (شمس، ۱۳۸۶، ج ۳: ش ۶۱۶) موضوع دستور موقت یکی از این موارد می‌باشد: الف- دستور به توقیف مال ب- دستور به انجام عمل ج- منع از انجام



عمل^۱ د- اعلام بی اعتباری موقت یک تصمیم. (زراعت، ۱۳۸۵: ۱۰۲۸) در صورتی باید دستور موقت صادر شود که موضوع مقتضی تعیین تکلیف فوری باشد.^۲ شخصی که از دستور موقت استفاده می‌نماید ابتدا باید فوریت خواسته‌ی خود را اثبات کند این فوریت در ارتباط با ضرری که وجود داشته یا او را تهدید می‌کند ارزیابی می‌شود. (شمس، ۱۳۸۶، ج ۳: ۶۲۷) تشخیص فوریت نیز با دادگاهی می‌باشد که صلاحیت رسیدگی به درخواست را دارد.^۳

در خواست صدور دستور موقت می‌تواند در جریان رسیدگی به دعوی اصلی نقض، یا پیش از طرح دعوا به دادگاه تقدیم شود. برابر ماده‌ی ۶۴ آیین نامه اصلاحی سابق: «در دعوی که راجع به حقوق حاصل از ثبت علامت تجارتي و یا اختراع اقامه می‌شود معترض در دعوی حقوقی و شاکی خصوصی در دعوی جزایی می‌تواند در هر موقع از مرجع قضایی که موضوع در آنجا مطرح است... تقاضای صدور دستور موقت نسبت به عدم ساخت یا فروش یا ورود اجناس تقلبی یا تقلیدی را بنماید و مراجع قضایی مزبور موظفند نسبت به تقاضای نامبرده موافقت نمایند. در مورد توقیف محصولات با صدور دستور موقت نسبت به عدم ساخت یا فروش اجناس تقلبی یا تقلیدی مرجع قضایی مزبور می‌تواند قبل از صدور قرار از تقاضا کننده تضمینی کافی بخواهد تا عندالاقضا از محل مزبور کلیه خسارات وارده بر طرف و منافی که ممکن است از آن محروم گردد جبران شود.»

در نظام فعلی حمایت از ثبت مالکیت‌های صنعتی وفق ماده‌ی ۱۸۳ آ.ق.ث.ا.ط.ع، مصوب ۱۳۸۷: «در دعوی حقوقی و کیفری راجع به حقوق حاصله از ثبت اختراع، طرح صنعتی، علامت و نام تجاری، معترض می‌تواند در هر مرحله از مراحل رسیدگی، از مراجع قضایی، اعم از دادگاه یا دادسرا که پرونده در آنجا مطرح است [...] تقاضای صدور دستور موقت نسبت به عدم ساخت، فروش یا ورود این محصولات را بنماید. مراجع قضایی موظفند نسبت به قبول تقاضای مذکور موافقت نمایند و می‌تواند قبل از صدور قرارهای مزبور از متقاضی تضمین کافی بخواهند. اجرای دستور فوق در صورتی که محصولات در گمرک باشند توسط مامورین گمرک و الا توسط ضابطین خواهد بود.

تبصره ۱- دادسرا می‌تواند رأساً دستور توقیف کالاهای دارای علامت تقلبی، اعم از اینکه وارد چرخه‌ی تجاری شده یا نشده باشند، را صادر نماید.

تبصره ۲- صدور دستور موقت و قرار تامین وفق مقررات آیین دادرسی خواهد بود.»

۳-۶-۴- تامین خواسته

«تامین خواسته، از جمله تدابیر احتیاطی است که به نفع خواهان دعوی مقرر شده و غیر از تامین محکوم‌به و ناظر به زمانی می‌باشد که حکم قطعی در دادرسی صادر نشده باشد، و به معنی بازداشت اموال

^۱ - ماده‌ی ۳۱۶ قانون دادرسی مدنی

^۲ - ماده‌ی ۳۱۰ قانون دادرسی مدنی

^۳ - ماده‌ی ۳۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی



اعم از منقول و غیر منقول است. خواه اموال یاد شده متعلق به خواننده یا دادخوانده باشد، خواه آن که از اموال و مطالبات او نزد اشخاص ثالث باشد.» (صالحی ذهابی، ۱۳۸۸: ۳۵۹)

درخواست صدور قرار تأمین خواسته در چند فرض قابل طرح می‌باشد. مطابق ماده ۱۰۸ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی ممکن است:

الف- قبل از اقامه‌ی دعوی اصلی؛ خواهان می‌تواند قبل از آنکه دعوی اصلی خود را طرح نماید، از دادگاه تقاضای صدور قرار تأمین خواسته نماید.

ب- ضمن اقامه‌ی دعوی اصلی؛ زمانی که خواهان دادخواست خود را نسبت به ماهیت دعوی، در دادگاه مطرح می‌نماید. در ستون تعیین خواسته، علاوه بر ذکر خواسته خود، صدور تأمین خواسته را نیز درخواست می‌نماید و در شرح و توضیحات دلایل درخواست صدور قرار تأمین خواسته را هم عنوان می‌کند.

ج- در جریان دادرسی تا وقتی که حکم قطعی صادر نشده است؛ در ضمن دادرسی، چه در مرحله بدوی، و چه در مرحله تجدیدنظر، خواهان می‌تواند درخواست تأمین خواسته خود را به دادگاهی که به اصل دعوی رسیدگی می‌نماید، تقدیم نماید.

مرجع صلاحیتدار حقوقی برای رسیدگی به درخواست تأمین‌خواسته در این بحث، همان دادگاه اختصاصی موضوع ماده ۵۹ ق.ث.ا.ط.ع و دادگاه تجدید نظر استان تهران می‌باشد. دادگاه‌های مذکور مطابق قواعد عام آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی مقرر در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب و با لحاظ مقررات آیین نامه‌ی اجرایی مصوب ۱۳۸۷ ق.ث.ا.ط.ع، نسبت به صدور این قرار با درخواست ذی‌نفع مبادرت می‌ورزند. ذی‌نفع باید در مهلت مقرر قانونی نسبت به اقامه دعوی اصلی اقدام نماید در غیر این صورت ضمانت اجرای مقرر در ماده‌ی ۱۸۴ آیین نامه‌ی اجرایی، حاکم بر روند دادخواهی می‌گردد. مطابق ماده‌ی مرقوم: « اگر مدعی تا ۳۰ روز از تاریخ امر مذکور در ماده‌ی ۱۸۲ این آیین‌نامه از مجرای حقوقی یا از طریق کیفری در دادگاه صالح مقرر در ماده ۵۹ قانون طرح دعوی ننماید، توقیفی که به عمل آمده است باطل و کان لم یکن بوده و وی طبق ماده مذکور مسئول خسارات وارده به طرف خواهد بود. »

۴- ضمانت اجرای کیفری

«بهترین شیوه‌ی حمایت از حق انحصاری مالکیت بر علائم تجاری و ممانعت از تجاوز افراد سود جو و فرصت طلب به حاصل زحمات و هزینه‌های صاحب علامت، پیش بینی و اعمال مجازاتهای سخت می‌باشد. زیرا که از این طریق می‌توان به سرکوب انواع مختلف جعل و تقلب نسبت به علامت تجاری ثبت شده یا در حال ثبت اقدام نمود و میزان تجاوز به حقوق دیگران را به حداقل رساند و نیز اقداماتی به منظور پیشگیری از وقوع جرم فراهم نمود.» (کریمی، ۱۳۸۹: ۱۸۱)

نقض حقوق ناشی از علامت تجاری، موجب ورود ضرر به صاحب آن می‌شود و نتیجتاً برای وی و قائم‌مقام مشارالیه حق طرح دعوی حقوقی و کیفری ایجاد می‌شود. از آنجایی که ایجاد امنیت قضایی در



جهت حمایت از مالکیت تجاری موجب رونق و شکوفایی اقتصادی جامعه می‌گردد. اخلال در این امر عنوان تجاوز به حق عموم را دارد و موجب می‌گردد تا مدعی‌العموم بتواند نسبت به اقامه‌ی دعوا و تعقیب مجرمین در این خصوص اقدام بنماید.

در حقوق ایران قبلاً، در خصوص مجازات مرتکبان نقض حق بر مالکیت علامت تجاری، ماده‌ی ۲۴۹ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ حاکم بود که با تغییراتی در مواد ۱۲۲ و ۱۲۳ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۶۲ نمایان شد. در نظام حقوقی فعلی نیز در مواد ۵۲۳(۵۷۴) به بعد یعنی در بخش قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ در این خصوص مقرراتی آمده است.

در ماده‌ی ۶۱ ق.ث.ا.ط.ع، نیز مقنن، به وضع مجازات جزای نقدی از ده میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال و حبس تعزیری از نود و یک روز تا شش ماه و یا هر دوی آنها اقدام نموده است. باید اشاره نمود که کنوانسیون پاریس در خصوص حمایت کیفری از صاحبان علامت تجاری سکوت اختیار نموده است، ولی در ماده‌ی ۶۱ موافقت نامه‌ی تریپس *Trips*، کشورهای عضو مکلف به اعمال مجازات جرم جعل عمومی نسبت به علامت تجاری شده‌اند.^۱

در این خصوص توجه به مقررات کشور فرانسه جالب و مفید می‌باشد. در حقوق فرانسه مجازات‌هایی از قبیل مصادره یا انهدام کالاهای جعلی و مجازات‌های شدید تا پنج سال حبس و جریمه‌ی نقدی تا پانصد هزار یورو، توقیف محل تولید کالا یا توزیع کالاهای جعلی به مدت حداکثر ۵ سال، مجازات تکمیلی عدم انتخاب شدن مجرم به مدت حداکثر ۵ سال به عنوان عضویت در اتاق‌های بازرگانی و سازمان‌های مشابه، برای ناقضان حقوق مالکیت علامت تجاری در نظر گرفته می‌شود.^۲

۵- ضمانت اجرای حقوقی

ضمانت اجرای حقوقی در راستای حمایت از علامت تجاری و حقوق مالک آن ناشی از عمل به ثبت رسانیدن، از دو نکته نظر بررسی می‌شود. در وهله‌ی اول، اقداماتی که صبغه‌ی مانعیت و جلوگیری کننده دارند نظیر درخواست ابطال تقاضای ثبت علامت تجاری و درخواست ابطال گواهینامه‌ی ثبت علامت تجاری مطالعه می‌شود. در مرحله‌ی بعدی، امکان جبران خسارت و مطالبه‌ی آن و مسئولیت مدنی ناشی از نقض علامت تجاری بررسی می‌گردد.

۵-۱- ابطال تقاضای ثبت علامت تجاری

بعد از اینکه اظهارنامه‌ی تقاضای ثبت علامت تجاری به اداره‌ی مالکیت صنعتی تسلیم شد، شخص یا اشخاص ذی‌نفع می‌توانند در صورت وجود شرایط ابطال، درخواست ابطال آن را از مرجع قضایی بخواهند.

1-World trade organization,2013, The TRIPS Agreement Available at:
<http://www.wto.org/english/docse/legale/27-trips01e.htm>

۲- موادی از قانون جامع مالکیت فکری فرانسه: ۱-۱۱-۷۱۶، ۲-۷۱۶، ۸-۷۱۶، ۹-۷۱۶



درخواست ابطال اظهارنامه علامت، نه در قانون ثبت علائم تجاری و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ پیش‌بینی شده بود و نه در قانون اخیر ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ به صورت صریح پیش‌بینی نشده است. به نظر حقوقدانان، «این موضوع می‌تواند از مبحث اعتراض به تقاضای ثبت ظرف مدت سی روز از نشر آگهی مربوط در روزنامه رسمی مستفاد گردد با توجه به این که حمایت علامت ثبت شده از تاریخ تسلیم اظهارنامه آغاز می‌شود؛ لذا نظر به این که قبول تقاضای ثبت از طرف اداره‌ی متولی آثار حقوقی نظیر ثبت رسمی و اعطای انحصاری به مالک علامت به ثبت رسیده می‌باشد، لذا ظرف مدت سی روز هر شخص ذینفع می‌تواند نسبت به آگهی تقاضای ثبت منتشره در روزنامه رسمی اعتراض نماید» (نصراللهی آزاد، ۱۳۸۹: ۱۲۸) البته لزومی ندارد که معترض، موضوع ابطال تقاضای ثبت را از مجرای اعتراض به تقاضا نامه پیگیری کند بلکه می‌تواند مستقیماً در مرجع قضایی صلاحیتدار اقامه ی دعوی نماید.

۵-۲- ابطال گواهینامه ی ثبت علامت تجاری

اداره ی مالکیت صنعتی بعد از بررسی‌های مقدماتی به عمل آمده و سیر تشریفاتی قانونی تقاضای ثبت، اقدام به ثبت علامت می‌نماید؛ اما احتمال دارد که ثبت علامت با حقوق اشخاص ثالث تعارض داشته باشد ولی در زمان ثبت متوجه آن نگردند، از این رو قانون به شخص یا اشخاص ذینفع اجازه داده تا ظرف سه سال بعد از ثبت علامت نسبت به آن اعتراض نمایند و به اعتراض آنها در دادگاه‌های عمومی تهران رسیدگی به عمل می‌آید. دادگاه پس از رسیدگی معمول حسب مورد حکم به ابطال ثبت علامت یا رد اعتراض، صادر خواهد نمود. (وصالی محمود، ۱۳۷۷: ۹۳)

همانطور که در بحث لزوم تعهد به استعمال علامت تجاری بیان شد، یکی دیگر از مصادیق درخواست ابطال، می‌تواند به دلیل عدم استفاده باشد. هر گاه ظرف سه سال از تاریخ ثبت، صاحب آن یا قائم مقام یا نماینده ی قانونی وی بدون عذر موجه علامت را در ایران یا در خارج، مورد استفاده قرار ندهد می‌توان تقاضای ابطال آن را از دادگاه صلاحیتدار تقاضا نمود.

۶- مسئولیت مدنی ناشی از نقض علامت تجاری

در تعریف مسئولیت مدنی گفته می‌شود: «در هر مورد که شخص ناگزیر از جبران خسارت دیگری باشد، می‌گویند در برابر او مسئولیت مدنی دارد.» (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ج ۱: ۳۴) با این تعریف مشخص می‌شود که در مباحث مسئولیت مدنی، «جبران خسارت» کفه ی سنگین ترازو را به خود اختصاص می‌دهد، بحث فوق با عناوینی همچون ضمان قهری، حقوق جبران‌ها و شبه جرم نیز شناخته می‌شود.

بشر در طول تاریخ همواره در صدد حفظ و نگهداری داشته‌هایی (به تعبیری محدودتر اموالی) است که در طی زندگی و به تبع آن کسب تجربیات به دست آورده؛ داشته‌های بشر که ممکن است جان، مال یا آبروی او باشد همیشه در معرض زیان‌های متعددی خواه قهراً، به وسیله ی بلایای طبیعی و خواه توسط



هموعانش به صورت ارادی و غیر ارادی (قهری) بوده است؛ با پیشرفت‌های جامعه‌ی بشری، راهکارهایی نیز برای این قبیل قضایا پیش‌بینی شده، که می‌توان به ارائه و توسعه‌ی قواعد حقوقی، بیمه‌های اموال و مسئولیت و غیره اشاره کرد که نماینگر تلاش در عرصه‌ی بی‌جبران نماندن خسارات وارده به زیان دیدگان می‌باشد. فرضاً با ارائه و پذیرش قاعده‌ی منع اضرار به غیر و لزوم جبران خسارات وارده‌ی ناروا، دیگر عدم جبران خسارت زیان‌دیده امری غیر طبیعی و غیر عادی یا ضد هنجار تلقی می‌شود.

البته باید توجه نمود که جوامع مختلف به قضیه‌ی لزوم جبران خسارت وارده بر زیان‌دیده با دیدگاه‌های مختلفی بویژه در عرصه‌ی حقوقی می‌نگرند. یعنی سیستم‌های مختلف حقوقی نگرش‌های متفاوتی نسبت به مقوله دارند؛ ولی به هر روی قواعد جبران خسارت و منع اضرار به دیگری تقریباً در همه‌ی سیستم‌های حقوقی مورد قبول واقع شده است. در حقوق اسلامی، وجود قواعدی مانند لاضرر و اکل مال بباطل و استیفاء ناروا و.... همواره مسلمانان را از اضرار به دیگری منع می‌کند و به لزوم جبران خسارت وارده امر می‌نماید.

بحث جبران خسارت وارده ناشی از نقض حق مالکیت اشخاص در سیستم مالکیت سنتی، امری پذیرفته شده و تا حدودی جا افتاده می‌باشد به طوری که اغلب در قوانین و مقررات به وفور در مورد آن بحث و ارائه‌ی طریق شده است. اما در مورد مالکیت‌های نوین، که بعضاً مسائلی در آن‌ها پیش می‌آید که لزوم و ضرورت پرداختن مستقل و موردی را توسط مقنن می‌طلبد، نظیر مالکیت‌های صنعتی؛ قانونگذار داخلی، قضیه را به قواعد عام مسئولیت مدنی موکول کرده است. یعنی در مقوله‌ی مسئولیت مدنی ناشی از نقض علامت تجاری، فعلاً با توسل به قواعد عام می‌توان به مسئولیت مدنی ناقض حق بر مالکیت علامت تجاری، حکم داد. دلیل این نگرش، ماده‌ی ۶۱ ق.ث.ا.ط.ع، می‌باشد که مقرر می‌دارد: «هر شخصی که مرتکب عملی شود که طبق مواد ۱۵، ۲۸، ۴۰ نقض حقوق به شمار آید یا طبق ماده‌ی ۴۷ عمل غیر قانونی تلقی شود، مجرم شناخته شده و علاوه بر جبران خسارت به پرداخت جزای نقدی از ده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال یا حبس تعزیری از نود و یک روز تا شش ماه یا هر دوی آنها محکوم می‌شود.» در این ماده قانونگذار به طریقه‌ی سنتی ضمانت اجرای مدنی یا همان راهکارهای جبران خسارت را از ضمانت اجرای کیفری منفک کرده ولی در عین حال شیوه‌های جبران خسارت را مشخص ننموده و موضع سکوت و ابهام اختیار کرده است.

در مطالعه‌ی احکام مسئولیت مدنی عموماً حقوقدانان دو رویکرد را در پیش روی می‌گیرند:

الف) گاهی احکام مسئولیت مدنی به عنوان مجموعه‌ای که در برابر احکام مسئولیت کیفری، مسئولیت اداری، مسئولیت انضباطی و سایر انواع مسئولیت‌ها قرار می‌گیرد و مورد توجه است که در این صورت قواعد کلی حاکم بر مسئولیت مدنی صرف نظر از انواع افعال زیانباری که احتمال تحقق دارند مورد مطالعه قرار می‌گیرند از این قواعد به «قواعد عمومی مسئولیت مدنی» تعبیر می‌شود.

ب) گاهی رویکرد حقوقدانان به احکام مسئولیت مدنی بدان جهت است که می‌خواهند قواعد عمومی مسئولیت مدنی را بر مصداق‌های خاصی از افعال زیانبار اعمال کند.



هدف پژوهش پیش‌روی، رویکرد دوم می‌باشد به طوری که در صدد است تا با توسل به قواعد عام (مسئولیت مدنی) و تطبیق احکام آن با شرایط خاص اموال فکری علی‌الخصوص علامت تجاری، نسبت به مسئولیت مدنی ناشی از نقض آن اظهار نظر نماید و به حکم خاصی برسد. در این راستا بررسی و مطالعه‌ی مواردی که ذیلاً به آن‌ها پرداخته می‌شود لازم و ضروری است:

۶-۱- توسل به قواعد عام مسئولیت مدنی

ماده‌ی ۱ قانون مسئولیت مدنی مقرر می‌دارد: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه‌ی بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.» برای تحقق مسئولیت ناشی از حقوق مالکیت صنعتی، می‌بایستی شرایط عام ایجاد مسئولیت بر حسب مورد فراهم باشد. یعنی باید ارکان عمومی این نوع مسئولیت صورت احقاق به خود بگیرد؛ باید فعلی انجام گیرد که قانون آن را خطا و نقض به حساب آورد و نتیجه‌ی حاصله از این خطا در عالم حقوقی ضرر محسوب گردد؛ به طوری که بین ورود ضرر و فعل زیانبار رابطه سببیت عرفی متصور باشد. با توجه به این دیدگاه که بحث ورود ضرر و رابطه‌ی سببیت، در مورد حقوق مالکیت صنعتی نیز تا جایی که تناسب داشته باشد قابل اجرا است؛ لذا از ارائه مطالب در مورد این دو رکن خودداری می‌شود ولی در مورد «فعل زیانبار» که به معنای خاص در حقوق مالکیت صنعتی، «نقض» خوانده می‌شود به صورت تفصیلی بحث و بررسی انجام می‌گیرد. (صالحی ذهابی، ۱۳۸۸: ۳۶۹)

۶-۲- فعل زیانبار (نقض علامت تجاری)

منظور از نقض، یعنی ارتکاب افعال مجرمانه و زیانبار نسبت به حقوق دارنده‌ی علامت تجاری می‌باشد؛ ماده‌ی ۶۱ ق.ث.ا.ط.ع، می‌گوید: «هر شخصی که مرتکب عملی شود که طبق مواد ۱۵، ۲۸، ۴۰ نقض حقوق به شمار آید یا طبق ماده‌ی ۴۷ عمل غیر قانونی تلقی شود، مجرم شناخته شده و علاوه بر جبران خسارت به پرداخت جزای نقدی از ده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال یا حبس تعزیری از نود و یک روز تا شش ماه یا هر دوی آنها محکوم می‌شود.» مطابق ماده‌ی مرقوم هر شخصی با علم و عمد عملی بر خلاف ماده‌ی ۴۰ آن قانون انجام دهد مرتکب نقض علامت تجاری شده است، ماده‌ی ۴۰ مقرر می‌دارد: «حقوق ناشی از ثبت علامت، مدت اعتبار و تمدید آن به شرح زیر است:

الف) استفاده از هر علامت که در ایران ثبت شده باشد، توسط هر شخص غیر از مالک علامت، مشروط به موافقت مالک آن می‌باشد.

ب) مالک علامت ثبت شده می‌تواند علیه هر شخصی که بدون موافقت وی از علامت استفاده کند و یا شخصی که مرتکب عملی شود که عادتاً منتهی به تجاوز به حقوق ناشی از ثبت علامت گردد، در دادگاه



اقامه‌ی دعوی نماید. این حقوق شامل موارد استفاده از علامتی می‌شود که شبیه علامت ثبت شده است و استفاده از آن برای کالا یا خدمات مشابه، موجب گمراهی عموم می‌گردد.

ج) حقوق ناشی از ثبت علامت، اقدامات مربوط به کالاها و خدماتی را که توسط مالک علامت یا با موافقت او به کشور وارد و در بازار ایران عرضه می‌گردد، شامل نمی‌شود.

د) مدت اعتبار ثبت علامت ده سال از تاریخ تسلیم اظهارنامه ثبت آن می‌باشد. این مدت با درخواست مالک آن برای دوره‌های متوالی ده ساله با پرداخت هزینه مقرر، قابل تمدید است. یک مهلت ارفاقی شش ماهه که از پایان دوره شروع می‌شود، برای پرداخت هزینه تمدید، با پرداخت جریمه تأخیر، در نظر گرفته می‌شود.»

و ماده‌ی ۴۷ قانون اخیرالذکر می‌گوید: «با رعایت قوانین و مقررات ثبت اجباری نام‌های تجارتي، این قبیل نام‌ها حتی بدون ثبت، در برابر عمل خلاف قانون اشخاص ثالث حمایت می‌شوند. هرگونه استفاده از نام تجارتي توسط اشخاص ثالث، به صورت نام تجارتي یا علامت یا علامت جمعی، یا هرگونه استفاده از آنها که عرفاً باعث فریب عموم شود، غیرقانونی تلقی می‌شود.»

بنابراین، ارتکاب هر فعلی که به حقوق و حمایت‌های مندرج این دو ماده خلل ایجاد کند موجب ایجاد مسئولیت برای ناقض می‌شود که باید از جبران خسارت آن بر آید.

۳-۶- مطالبه‌ی خسارت

ماده‌ی ۱۸۱ آیین‌نامه‌ی اجرایی مقرر می‌دارد: «در مورد خساراتی که خواه از مجرای حقوقی و خواه از مجرای کیفری در دعاوی مربوط به اختراعات، طرح‌های صنعتی، علائم و نام‌های تجاری مطالبه می‌شود، خسارت شامل ضررهای وارده خواهد بود.» یکی از شیوه‌های جبران خسارت دارنده‌ی حق مالکیت صنعتی الزام خواننده‌ی دعوای نقض به پرداخت خسارت در حق خواهان است از جمله موضوعاتی که در دعوای پرداخت خسارت مطرح است میزان غرامت پرداختی است قانون مدنی، قانون مسئولیت مدنی و قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجارتي نیز در بردارنده‌ی حکمی در زمینه‌ی مقدار خسارت نمی‌باشند و همه‌ی راه حل‌ها را بر عهده‌ی رویه‌ی قضایی گذاشته‌اند، (صالحی ذهابی، ۱۳۸۸: ۳۷۹) ولی در این مورد می‌توان از حکم کلی ماده‌ی ۲ قانون مسئولیت مدنی استفاده کرد که براساس آن، خواننده‌ی دعوای نقض، به جبران همان نوع خسارتی که وارد نموده است محکوم می‌شود. ماده‌ی مرقوم مقرر می‌دارد: «در موردی که عمل وارد کننده‌ی زیان موجب خسارت مادی و معنوی زیان دیده شده باشد دادگاه پس از رسیدگی و ثبوت امر او را به جبران خسارت مزبور محکوم می‌نماید و چنانچه عمل وارد کننده‌ی زیان فقط موجب یکی از خسارات مزبور باشد دادگاه او را به جبران همان نوع خساراتی که وارد نموده محکوم خواهد نمود.» با توجه به اینکه در ماده‌ی ۱۸۱ آ.ق.ث.ا.ط.ع، خسارت اعم از ضررهای وارده دانسته شده است، پس بجاست که برای پیشبرد اهداف پژوهش، از مفهوم ضرر مطالبی ارائه شود.



۶-۳-۱- مفهوم ضرر

ضرر دارای معنای عرفی است که هر گونه صدمه مادی یا معنوی وارد به شخص را در بر می‌گیرد. (صفایی، ۱۳۹۱: ۱۰۰) یکی از اساتید حقوق در تعریف ضرر می‌نویسند: «نقصی بر مال دیگری یا صدمه بر جان کسی یا وهن در عرض دیگری وارد کردن است، به شرط این که مقتضی قریب آن محقق شده باشد...» یکی از فقهای معاصر در مورد آن می‌نویسد: «برای مفهوم ضرر باید به آنچه در اذهان ما و اذهان عرف ارتکاز یافته است رجوع کنیم و آنچه از جستجوی مواردی استعمال این کلمه در ذهن ما مرتکز می‌شود آن است که ضرر از دست دادن هر یک از مواهب زندگی است که ما دارا هستیم و از آن سود می‌بریم چه مربوط به نفس باشد یا مال یا آبرو و یا غیر آن؛ و آنچه راجع به عدم صدق ضرر بر موارد هتک آبرو گفته‌اند درست نیست... بلکه ظاهر بر صدق آن در موارد اجتماع اسباب و حصول مقتضی برای بعضی از آن منافع است، اگر مانعی برای کسب آن ایجاد شود ضرر صادق است چنان که ظاهر آن است که ضرر مقابل نفع است همان طور که بسیاری از آیات قرآن حکیم بر آن دلالت دارد...» (صفایی، ۱۳۹۱: ۱۰۱) از سیاق تعاریف بر می‌آید که ضرر، دارای مفهوم عرفی است که عرف برای آن معنی وسیعی قائل شده به صورتی که شامل هر گونه زیان مادی و معنوی و بدنی و عدم‌النفع می‌شود. البته باید توجه نمود که هر ضرری قابل جبران و مطالبه نیست بلکه ضرر باید دارای شرایطی باشد که در اینجا مختصراً بدان اشاره می‌شود: الف) ضرر باید مسلم باشد و احتمالی نباشد ب) ضرر باید مستقیم باشد ج) ضرر باید شخصی باشد د) ناشی از لطمه‌ای باشد که به حق شخص یا نفع مشروع او وارد شده باشد ه) قبلاً جبران نشده باشد. (همان: ۱۰۲)

۶-۳-۲- ضرر پیش رو

مهمترین دسته از این خسارات و ضررها، آنهایی هستند که در عرصه ی تجارت بر اثر بهره برداری غیر مجاز ناقض (خوانده) از حق مالکیت صنعتی بر دارنده ی حق وارد آمده است؛ از دست دادن تمام یا قسمتی از بازار بر اثر رقابت نامشروع ناشی از فروش کالای تقلیدی و تقلبی به قیمتی کمتر از بهای کالاهای اصلی، محروم شدن دارنده ی حق از انعقاد قرارداد بهره برداری و غیره. (صالحی ذهابی، ۱۳۸۸: ۳۷۹) به عقیده ی بعضی از حقوقدانان ماهیت ضررهای وارده ی از این دست، عدم النفع می‌باشد، اما در این مورد، مطابق مقررات قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶ و آیین‌نامه ی اجرایی آن قابل مطالبه می‌باشد. (نصراللهی آزاد، ۱۳۸۹: ۱۳۲)

در ارتباط با استفاده ی غیر مجاز از علامت تجاری موارد زیر به عنوان ضررهای موجود و خسارت قابل مطالبه مطرح می‌شوند که مانند مورد قبلی بعضاً ماهیت عدم النفعی دارند:

الف) مهمترین خسارتی که در اثر استعمال علامت تجاری نقض کننده متوجه مالک علامت تجاری می‌شود مربوط به کاهش فروش کالاهای وی می‌باشد این کاهش فروش و بهره وری نتیجه ی این موضوع است که شخص نقض کننده کالاهای خود را به عنوان کالاهای مالک علامت تجاری به فروش می‌رساند.



ب) چنانچه کالاهایی که تحت علامت تجارتي نقض کننده به فروش می‌رسد از نوع نامرغوبتری نسبت به کالاهای مالک علامت تجارتي باشند به حیثیت، شهرت و ارزش مالی علامت تجارتي نیز خسارت وارد می‌شود این خسارت نیز قابل جبران است.

ج) ممکن است مالک علامت تجارتي در رقابت و براساس قواعد بازار به منظور فروش کالاهای خود و در اثر فشار نقض کننده علامت تجارتي که از علامت تقلبی استفاده می‌کند مجبور به کاهش قیمت کالاهای خود شود این کاهش نیز جزء خسارات قابل جبرانی محسوب خواهد شد.

د) هزینه‌هایی که خواهان به منظور بی اثر کردن تاثیرات اعمال نقض کننده خوانده صورت می‌دهد از جمله هزینه‌های آگهی یا هزینه‌های مربوط به تلفن که صورت می‌گیرد جزء خسارات قابل جبران است. (میرزایی، ۱۳۸۵: ۱۸۱)

۶-۳-۳- منافع از دست رفته

بعضی از حقوقدانان معتقدند که «با توجه به مبنای حقوق مالکیت صنعتی و نقش آن در تکوین سرمایه‌ی دارنده‌ی حق و جنبه‌ی سلبی حق که همانا منع دیگران از نقض حق انحصاری است. جبران منافع از دست رفته‌ی ناشی از نقض مبتنی بر منطق حقوقی و منطبق با اصول و سازگار با نظام حقوقی کشور است.» (صالحی ذهابی، ۱۳۸۸: ۳۸۰) در توجیه این نظر می‌توان به ماده‌ی ۱ قانون مسئولیت مدنی و بند ۲ ماده‌ی ۹ آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری استناد کرد. برابر ماده‌ی اخیر، منفعی که ممکن‌الاحصول بوده و در اثر ارتکاب جرم، مدعی خصوصی از آن محروم و متضرر می‌شود از جمله‌ی ضرر و زیان‌های قابل مطالبه است. در مورد شیوه‌ی جبران این نوع خسارت نیز حکمی در قوانین فعلی موجود نیست ولی می‌توان گفت، «باید بین موردی که دارنده‌ی حق از موضوع آن بهره‌برداری می‌کند و در موردی که از موضوع مالکیت صنعتی بهره‌برداری نمی‌کند قائل به تفکیک شد. هنگامی که دارنده‌ی حق از موضوع آن بهره‌برداری می‌نماید نقض حق او را از قراردادهای بهره‌برداری که در آن خصوص منفعی را عاید او می‌کرد محروم می‌نماید منافع از دست رفته در این فرض دست کم برابر با منافع تحصیل شده توسط ناقض حقوق و منفعی است که از بهره‌برداری از حق توسط خود دارنده‌ی حق عاید او می‌گردد و در برخی موارد چه بسا فراتر از این موارد باشد. به ویژه در مواردی که فروش کالاهای تقلبی یا تقلیدی به بهای کمتر از قیمت واقعی و تعیین شده از سوی دارنده‌ی حق مالکیت صنعتی باشد.» (صالحی ذهابی، ۱۳۸۸: ۳۸۰)

اما در حالتی که بهره‌برداری نمی‌کند، بعضی از حقوقدانان گفته‌اند که جبران خسارت برابر با بهای یک قرارداد بهره‌برداری است زیرا دارنده‌ی حق نمی‌توانسته و یا نخواسته است منافع و عوایدی را که توسط نقض کننده‌ی حق تحصیل شده بدست آورد. با این وجود، طرز نگرش مورد انتقاد می‌باشد چرا که عاملی برای تحریک ناقض می‌شود، به جای اینکه درخواست مجوز بهره‌برداری کند مبادرت به نقض می‌کند و



می‌داند که غرامت تحمیل شده به او برابر با هزینه‌ی یک قرارداد بهره‌بردار است. (صالحی ذهابی، ۱۳۸۸: ۳۸۱)

۶-۳-۴- خسارات دادرسی

از جمله ضررهای وارد شده به صاحب علامت، هزینه‌های دادرسی و حق‌الوکاله وکیل و هزینه‌های آگهی و کارشناسی می‌باشد. ماده‌ی ۵۱۹ قانون آیین دادرسی در امور مدنی مقرر می‌دارد: «خسارت دادرسی عبارتست از هزینه دادرسی و حق‌الوکاله وکیل و هزینه‌های دیگری که به طور مستقیم مربوط به دادرسی و برای اثبات دعوا یا دفاع لازم بوده است از قبیل حق‌الزحمه‌ی کارشناسی و هزینه‌ی تحقیقات محلی» ماده‌ی ۵۱۵ همان قانون در مورد شیوه‌ی مطالبه‌ی این نوع خسارت مقرر می‌دارد: «خواهان حق دارد ضمن تقدیم دادخواست یا در اثنای دادرسی و یا به طور مستقل جبران خسارات ناشی از دادرسی یا تأخیر انجام تعهد یا عدم انجام آن را که به علت تقصیر خواننده نسبت به ادای حق یا امتناع از آن به وی وارد شده یا خواهد شد، همچنین اجرت‌المثل را به لحاظ عدم تسلیم خواسته یا تأخیر تسلیم آن از باب اتلاف و تسبیب از خواننده مطالبه نماید. خواننده نیز می‌تواند خسارتی را که عمداً از طرف خواهان با علم به غیر محق بودن در دادرسی به او وارد شده از خواهان مطالبه نماید. دادگاه در موارد یاد شده میزان خسارت را پس از رسیدگی معین کرده و ضمن حکم راجع به اصل دعوا یا به موجب حکم جداگانه محکوم‌علیه را به تأدیه خسارت ملزم خواهد نمود. در صورتی که قرارداد خاصی راجع به خسارت بین طرفین منعقد شده باشد برابر قرار داد رفتار خواهد شد.

تبصره ۱- در غیر مواردی که دعوای مطالبه خسارت مستقلاً یا بعد از ختم دادرسی مطرح شود مطالبه خسارت‌های موضوع این ماده مستلزم تقدیم دادخواست نیست.»
مضافاً اینکه، هزینه‌های اجرایی مقرر در بند ۲ ماده‌ی ۱۵۸ قانون اجرای احکام مدنی نیز می‌تواند موضوع مطالبه خسارت قرار بگیرد.

۶-۳-۵- اعاده‌ی وضع سابق

پرداخت خسارت و جبران‌های مالی نباید تنها وسیله‌ی جبران خسارت تلقی شود، چرا که گاه نقض حق اشخاص علاوه بر ضررهای مادی به حیثیت و اعتبار آن‌ها نیز صدمه می‌زند. یعنی در اینجا سرمایه‌ی معنوی اشخاص بیشتر مد نظر است و نمود پیدا می‌کند. مطابق ماده‌ی ۱۰ قانون مسئولیت مدنی: «کسی که به حیثیت و اعتبارات شخصی یا خانوادگی او لطمه وارد شود می‌تواند از کسی که لطمه وارد آورده است جبران زیان مادی معنوی خود را بخواهد. هر گاه اهمیت زیان و نوع تقصیر ایجاب نماید دادگاه می‌تواند در صورت اثبات تقصیر علاوه بر صدور حکم به خسارت مالی حکم به رفع زیان از طریق دیگر از قبیل الزام به عذرخواهی و درج حکم در جراید و امثال آن نماید.»



با مد نظر قرار دادن این ماده و همچنین ماده‌ی ۳ قانون مسئولیت مدنی که مقرر می‌دارد دادگاه در گزینش طریقه و کیفیت جبران خسارت اختیار کلی دارد و با توجه به مدلول ماده‌ی ۶۱ ق.ث.ا.ط.ع و ماده‌ی ۱ قانون مسئولیت مدنی، دادگاه می‌تواند به هزینه‌ی محکوم دعوای نقض، حکم محکومیت قطعی وی را در جراید و روزنامه‌های کثیرالانتشار یا یکی از رسانه‌ها به صلاحدید خود منتشر نماید. با پذیرش این دیدگاه، شاهد قدرت بازدارندگی بیشتری نسبت به ارتکاب نقض حقوق مالکان علامت تجاری خواهیم بود چرا که اغلب صاحبان علامت‌های تجاری، تاجر می‌باشند و چه بسا ناقضان علامت نیز در بسیار موارد تاجرند و توانگر؛ که برای آن‌ها پرداخت مبلغی به عنوان خسارت شاید چندان هم بازدارنده نباشد، ولی در صورتی که حکم محکومیت ناقض حق بر مالکیت تجاری منتشر شود، حفظ حیثیت کاری و تجاری مشارالیه موجب می‌شود که کمتر به نقض حقوق صنعتی (علامت تجاری) دیگران مبادرت بورزد.

انتشار حکم محکومیت قطعی نقض کننده، علاوه بر حالت ضمانت اجرایی و بازدارندگی‌ای که می‌تواند داشته باشد، وضعیت حقوقی صاحب حق را در بین افکار عمومی تثبیت و اعتبار وی و محصولات ارائه شده را اعاده می‌کند.

جمع بندی

یکی از حقوقی که طی ثبت علامت تجاری برای مالک آن ایجاد می‌گردد، حق منع استفاده‌ی بدون اذن (شبیه سازی و جعل) می‌باشد، یعنی مالک حق خواهد داشت که دیگران را از بهره برداری غیر مجاز و بدون اذن از مال فکری اش منع نماید، در راستای مطالعه‌ی این حق بحث مسئولیت مدنی ناشی از نقض علامت به میان می‌آید که در این تحقیق به عنوان سوال مطرح گردید، و در مقام پاسخ به آن گفته شد که «اضرار به حقوق ناشی از ثبت علامت موجب جبران خسارت مادی و معنوی می‌شود.» در این راستا، با توجه به ماده‌ی ۱ قانون مسئولیت مدنی که مقرر می‌دارد: «هر کس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه‌ی بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجاری یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.» اضرار به حقوق مالکیت صنعتی ناشی از علامت تجاری نیز مشمول مقررات عام این ماده خواهد بود، بنابراین برای تحقق مسئولیت مدنی فوق، بایستی ارکان عمومی مسئولیت صورت احقاق به خود بگیرد؛ باید فعلی انجام گیرد که قانون آن را خطا و نقص به حساب آورد و نتیجه‌ی حاصله از این خطا در عالم حقوقی ضرر محسوب گردد؛ به طوری که بین ورود ضرر و فعل زیانبار رابطه‌ی سببیت عرفی متصور باشد. منظور از نقض حقوق مالکیت بر علامت، حقوق مندرج در مادتين ۴۰ و ۴۷ ق.ث.ا.ط.ع، می‌باشد که در ماده‌ی ۶۱ قانون مذکور بدان‌ها اشاره شده است.

ماده‌ی ۱۸۱ آ.ق.ث.ا.ط.ع، مقرر می‌دارد: «در مورد خساراتی که خواه از مجرای حقوقی و خواه از مجرای کیفری در دعاوی مربوط به اختراعات، طرح‌های صنعتی، علائم و نام‌های تجاری مطالبه می‌شود،



خسارت شامل ضررهای وارده خواهد بود.» مطابق این ماده نیز وارد کننده ضرر باید از جبران آن برآید، اما میزان و نوع جبران نه در قانون مسئولیت مدنی و نه در قانون ثبت اختراعات و طرح‌های صنعتی مشخص نشده است که در این مورد، حکم کلی ماده ۲ قانون مسئولیت مدنی حاکم می‌گردد. ضرر ممکن است مربوط به ضررهای پیش‌رو و یا منافع ممکن‌الحصول باشد؛ در مورد جبران خسارت معنوی صاحب علامت تجاری نیز باید افزود که از حکم کلی ماده ۱ و ۳ قانون مسئولیت مدنی و مدلول ماده ۶۱ ق.ت.ا.ط.ع، می‌توان استنباط کرد و به هزینه‌ی خواننده یا محکوم دعوای نقض، حکم قطعی محکومیت مشارالیه را در جراید یا روزنامه‌های محلی منتشر کرد، انتشار حکم مزبور، در حالاتی می‌تواند وضعیت حقوقی صاحب حق را در بین افکار عمومی تثبیت و اعتبار وی و محصولات ارائه شده را اعاده کند. با این اوضاع فرضیه سوم پژوهش حاضر نیز به صورت کامل تایید و استوار می‌گردد.

پیش‌بینی ضمانت اجراهای مدنی مناسب، در راستای جبران خسارت مادی و معنوی وارده به مالک علامت تجاری و ضمانت اجراهای کیفری معقول، برای ایجاد تشفای خاطر در مشارالیه و کارکرد پیشگیرانه‌ی آن، توسط مقنن یکی از راه‌های جلوگیری از نقض حقوق مربوط به علامت تجاری خواهد بود؛ لذا با توجه به این که اغلب، مالکان و ناقضان علامت تجاری، تاجر می‌باشند و نسبت به کسب و حفظ حیثیت تجاری و اعتبار شغلی در عرصه‌ی رقابت، ارزش و اهمیت فراوانی قائلند؛ پیش‌بینی ضمانت اجراهایی نظیر: انتشار حکم محکومیت قطعی ناقض حق بر مالکیت علامت تجاری، به طور صریح در جراید و روزنامه‌های کثیرالانتشار، پیش‌بینی مجازات‌های تکمیلی برای ناقض حقوق مالکیت بر علامت، مانند عدم انتخاب شدن به مدت معینی در اتحادیه‌های مربوط به شغل تجارتي و عضویت در اتاق‌های بازرگانی و سازمان‌های مرتبط، در این خصوص خالی از فایده نخواهد بود.

منابع و ماخذ

الف) منابع فارسی

- آقایی، بهمن. ۱۳۸۷. فرهنگ حقوقی بهمن انگلیسی، فارسی براساس *black` s law dictionary* ، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ چهارم
- افشاری پور، غلامرضا. ۱۳۸۸. بررسی تطبیقی ماهیت قراردادهای اعطای مجوز با تاکید بر اجازه بهره برداری از مالکیت های صنعتی، ماهنامه کانون، شماره نود و سوم، نوبت خرداد
- اکبر آبادی، کمال. ۱۳۸۰. اهمیت و تعریف علائم تجاری و صنعتی، ماهنامه بررسی های بازرگانی، سال چهارم، شماره ی سوم
- امامی، حسن. ۱۳۷۷. حقوق مدنی جلد چهارم، تهران، انتشارات کتابفروش اسلامیه، چاپ پانزدهم
- امامی، اسدالله. ۱۳۸۶. حقوق مالکیت معنوی جلد اول، تهران، نشر میزان، چاپ اول



- _____ ۱۳۹۰. حقوق مالکیت صنعتی جلد دوم، تهران، بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول
- پورنوری، منصور. ۱۳۸۳. حقوق مالکیت معنوی در دادگاه علامت تجاری و اختراعات، تهران، پیام حق، چاپ اول
- تفرشی، محمدعیسی. ۱۳۷۸. مباحث تحلیلی از حقوق شرکتهای تجاری جلد اول، تهران، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، چاپ اول
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر. ۱۳۸۷. ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چاپ بیستم
- حکمت نیا، محمود. ۱۳۸۷. مبانی مالکیت فکری، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم
- حمیتی واقف، احمدعلی. ۱۳۹۰. مالکیت معنوی، تهران، انتشارات جاودانه، چاپ اول
- خاکپور، منصور. ۱۳۸۵. بررسی اعطای مجوزهای اجباری بهره برداری در حقوق ایران و اسناد بین المللی، پایان نامه ی کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس
- دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۳. لغتنامه دوره چهارده جلدی، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران چاپ اول
- رئسی، لیلا. ۱۳۸۸. مالکیت معنوی نظام حل و فصل اختلافات حقوق، تهران، انتشارات جنگل، چاپ اول
- زراعت، عباس. ۱۳۸۵. آیین دادرسی مدنی در نظم حقوق کنونی، تهران، چاپ سوم، نشر خط
- ستوده تهرانی، حسن. ۱۳۸۸. حقوق تجارت جلد اول، تهران، انتشارات دادگستر، چاپ بیست و یکم
- شیخی، مریم. ۱۳۸۴. ضمانت اجراهای نقض حقوق مالکیت صنعتی با لحاظ موافقت نامه تر پیس، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی گرایش مالکیت فکری، دانشگاه تربیت مدرس
- شیخی، مریم. ۱۳۸۵. ضمانت اجراهای گمرکی نقض حقوق مالکیت صنعتی مطالعه تطبیقی، مجله پژوهش های بازگانی، شماره ی چهل و یکم
- شهیدی، مهدی. ۱۳۸۸. حقوق مدنی ۶، تهران، انتشارات مجد، چاپ دهم، ص ۱۵
- شمس، عبدالله. ۱۳۸۶. دوره ی پیشرفته ی آیین دادرسی مدنی جلد دوم، تهران، انتشارات دراک، چاپ هشتم
- شمس، عبدالحمید. ۱۳۸۳. حقوق مالکیت بر علائم تجاری و صنعتی، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول
- صادقی، محمود. ۱۳۸۴. مفهوم و اعمال نظم عمومی در مراجع قضائی و شبه قضائی جلوه های نوین آن، نشریه حقوق دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، نوبت تابستان
- صادقی، محمود، شیخی، مریم. ۱۳۸۸. ضمانت اجراهای نقض حقوق مالکیت صنعتی، فصلنامه حقوق مجله دانشکده ی حقوق و علوم سیاسی، دوره ی سی و نهم، شماره سوم، نوبت پاییز (صفحات ۲۳۷-۲۱۷)
- صادقی، حسین. ۱۳۸۶. نام دامنه و مسئولیت مدنی ناشی از نقض علامت تجاری، فصلنامه ی دیدگاههای حقوقی، دانشکده ی علوم قضایی و خدمات اداری، شماره چهل و یکم
- صالحی ذهابی، جمال. ۱۳۸۸. حق اختراع نگرشی تطبیقی، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول
- صفایی، سید حسین. ۱۳۷۵. مقالاتی درباره ی حقوق مدنی و حقوق تطبیقی، تهران، میزان، چاپ اول
- _____ ۱۳۹۰. دوره مقدماتی حقوق مدنی جلد اول اشخاص و اموال، تهران، انتشارات میزان، چاپ سیزدهم



- صفایی، سید حسین، رحیمی، حبیب الله. ۱۳۹۱. *مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)*، تهران، انتشارات سمت، چاپ سوم
- صفری، محسن و مشهدیان، شهاب. ۱۳۸۹. *قراردادهای حقوق مالکیت فکری ۱- (قرارداد بهره برداری از علامت تجاری فرانچایز)*، تهران، انتشارات جنگل، چاپ اول
- طلوع، سید محسن و محمدی، اقبال. ۱۳۹۰. *فرهنگ حقوقی سه زبانه (انگلیسی، فرانسه، فارسی)*، تهران، انتشارات معین، چاپ اول
- عرفانی، محمود. ۱۳۸۱. *حقوق تجارت جلد اول*، تهران، میزان، چاپ اول
- _____ . ۱۳۷۵. *تجارت بین الملل جلد دوم*، تهران، انتشارات جهاد دانشگاهی تهران، چاپ اول
- کاتوزیان، ناصر. ۱۳۸۶. *دوره مقدماتی حقوق مدنی (امول و مالکیت)*، تهران، انتشارات میزان، چاپ هفدهم
- _____ . ۱۳۹۰. *الزام های خارج از قرارداد مسئولیت مدنی جلد اول قواعد عمومی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دهم
- _____ . ۱۳۸۶. *دوره مقدماتی حقوق مدنی اعمال حقوقی قرارداد- ایقاع*، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ دوازدهم
- _____ . ۱۳۸۶. *عقود معین ۱ (عقود تملیکی)*، تهران، انتشارات شرکت سهامی انتشار، چاپ پنجم
- کریمی، محمدحسین. ۱۳۸۹. *علائم تجاری در حقوق ایران*، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول
- گرجی، ابوالقاسم. ۱۳۷۲. *مشروعیت حق و حکم آن با تایید بر حق معنوی*، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران: شماره ی ۲۹ (۸ صفحه از ۱۲۱ تا ۱۲۸)
- میرزائی، علی. ۱۳۸۵. *حمایت از علائم تجاری در نظام حقوقی انگلیس و مقایسه با حقوق ایران*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد تهران
- میرحسینی، سید حسن. ۱۳۸۴. *مقدمه ای بر حقوق مالکیت معنوی*، تهران، نشر میزان، چاپ اول
- معاونت حقوقی و امور مجلس. ۱۳۹۲. *پیش در آمدی بر مالکیت فکری*، قابل دسترسی در سایت اینترنتی: <http://hvm.ir/print.asp?id=29370>
- _____ . ۱۳۹۲. *بررسی حقوق مالکیت فکری و ابعاد آن در قوانین و مقررات*، قابل دسترسی در سایت اینترنتی: <http://hvm.ir/print.asp?id=29370>
- نصرالهی آزاد، مرضیه. ۱۳۸۹. *ثبت بین المللی علائم تجاری و کنوانسیون های مربوط*، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ اول
- ورمزیار، محمد. ۱۳۸۱. *بررسی علائم تجاری در معاهدات بین المللی با تاکید بر موافقت نامه تریپس*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس
- وصالی محمود، رضا. ۱۳۸۴. *مطالعه تطبیقی حقوق ناشی از ثبت علامت تجاری*، مجله ی حقوق دادگستری، شماره ی پنجاه و پنجاه و یکم، دوره جدید بهار و تابستان (ص ۱۱۳-۱۳۶)
- وصالی محمود، رضا. ۱۳۷۷. *نحوه ی حمایت دادگستری از مالکیت صنعتی در جمهوری اسلامی ایران*، ویژه نامه ی اتاق بین المللی ایران



(ب) منابع انگلیسی و سایت های اینترنتی

- Brayana. jarner. 2004. *Blacks` law dictionary*, Editor in chief West publishing company, 8th edition
- Cornish W.R. 1996. *intellectual property law*, London, Sweet & Maxwell, 3th Edition
- Erfani, M.1390. *Introductoin to Business Law In Iran*, Tehran, Jungle Publication, 4th Edition
- World intellectual poperty organization. 2013. *Malaysia trade mark act* (act 175 of 1976.as last amended by act a138 of 2002), Available at: www.wipoint/wipolex/en/text.jsp?file id=194403
- World intellectual poperty organization.2013. *Paris convention for the protection of industrial property*, Available at: www.wipo.int/treaties/en/ip/paris/trtdocs-wo020.html
- *Madrid agreements* available at: www.inventstars.com/madridagreementusp
- Wikipedia: http://en.wikipedia.org/wiki/service_mark
- World intellectual poperty organization.2013. *France intellectual property cod*, available at: www.wipo.int/winpolexd/aetails.jsp?.id=5563
- A wipo training manual, 1993, *introduction to trade mark law*, apractice genva
- Intellectual prpperty office. 2013.*The Uk.Patents Act 1977*, available at : <http://www.ipo.gov.uk/patentsact1977.pdf>
- Word trade organization. 2013 .*The TRIPS Agreement, signed in Marrakesh, Morocco on 15 April 1994*, available at: http://www.wto.org/english/docs_e/legal_e/27-trips_01_e.htm

(ج) قوانین و مقررات

- قانون ثبت اختراعات، طرح های صنعتی، علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶
- قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات ماهواره ای مصوب ۱۳۷۳
- قانون چگونگی اداره ی مناطق آزاد تجاری، صنعتی مصوب ۱۳۷۲
- قانون اصول محاکمات حقوقی
- قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷
- قانون حمایت مولفان و مصنفان مصوب ۱۳۴۸
- قانون علامات صنعتی و تجارتي مصوب ۱۳۰۴
- قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰
- قانون حمایت از نشانه های جغرافیایی مصوب ۱۳۸۳
- قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲
- قانون جامع کنترل و مبارزه ملی با دخانیات مصوب ۱۳۸۵
- قانون حمایت از حقوق پدید آورندگان نرم افزار های رایانه ای مصوب ۱۳۸۲
- قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶
- قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۸۱



- قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۹
- قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲
- ماده واحده ی قانون تمدید مهلت اجرای آزمایشی قانون ثبت اختراعات، طرح های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶؛ تصویبی ۱۳۹۲ مجلس شورای اسلامی
- آیین نامه قانون حمایت از نشانه های جغرافیایی مصوب ۱۳۸۴
- آیین نامه اصلاحی اجرای قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰
- آیین نامه ی ثبت اجباری علائم صنعتی و نصب آن بر روی بعضی از اجناس دارویی و خوراکی و بهداشتی مصوب ۱۳۲۸
- آیین نامه اجرایی قانون ثبت اختراعات، طرح های صنعتی، علائم تجاری مصوب ۱۳۸۷